

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد حیدر اختر
۰۷ دسمبر ۲۰۲۱



محمد حیدر اختر

بیانید واقعیت را پذیرا شویم



سال هاست که کشور عزیز ما افغانستان، گرفتار نا امنی ها، قتل و قتل، انفجار و انتحاری بوده و جنگ از مردم بی گناه و بی دفاع ما قربانی گرفته، ویا این که میلیون ها انسان را بر گلیم ماتم نشانده است. در طول این سال ها مردم ما شاهد بالا و پائین شدن، حکومت چپ توسط حزب وابسته به شوروی سابق و تنظیم های راست گرا، وابسته به پاکستان و ایران و هم گروه های افراطی و تروریستی طالبی و داعشی، وابسته به پاکستان و عربستان سعودی بوده و می باشد. جای تأسف این جاست که نه اعضا و رهبران حزب وابسته شوروی سابق با سر کشیدن هورا و مرگ بر امپریالیزم، و نه هم رهبران تنظیم های جهادی، و وابستگان شان با «نعره الله اکبر» نتوانستند باهم بر سر قدرت کنار بیایند و برای رفاه و سعادت افغانستان بکوشند. ای کاش دست به ماشه تفنگ نمی بردند. بلکه جناح خلق و پرچم همت به خرج می دادند و

یک حکومت قوی سرتاسری بدون وابستگی، را پایه گذاری می کردند. یا هم تنظیم های جهادی سابق که روی کار آمدند به عوض جنگ و خونریزی، برادرکشی یک رژیم واقعاً اسلامی را تشکیل می دادند. و باز هم جای تأسف است که احزاب و تنظیم های جهادی، با مخالفت های ذات الیبنی به خاطر گرفتن قدرت، باهم درگیر شده، کشور نازنین ما افغانستان را به خاکدان خاک برابر کرده، و مردم بیچاره ما را آواره و دریدر.

با این همه درگیری ها و جنگ چیزی که برای احزاب و تنظیم ها به جای مانده که یکی به سر دیگر بزنند و طرفدار و هوا خواهان شان از رهبران خود بت ساخته و یا قهرمان سازی نمایند. اگر کسی بخواهد بر نحوه حکومتداری و یا وابستگی یکی از رهبران انگشت انتقاد بگذارد مورد عتاب، فحش، تحقیر و توهین و از همه مهمتر بر پیشانی اش، مهر جاسوسی یک کشور دیگر را حواله می نمایند.

به گونه مثال: در هفته گذشته یادداشتی از این قلم تحت عنوان، (جنگ و مخالفت برای کسب قدرت بیشتر) نخست در صفحه فیسبوکم و بعداً در صفحه ای که به نام (آئینه اندیشه ها) نشرات دارد و همچنان در سایت های رنگین، افغانستان آزاد-آزاد افغانستان، افغان جرمن و خراسان زمین منتشر شد، در این مطلب روی مخالفت های ذات الیبنی (خلق و پرچم، تنظیم های جهادی و گروه تروریستی طالبی) جهت کسب قدرت بحث صورت گرفته بود.

زمانی که یادداشت را به صفحه (آئینه اندیشه ها) فرستادم، توسط یکی از اعضای سرپرست مجوز نشر یافت و روی صفحه گذاشته شد. تعداد کثیری از هموطنان ما مطلب را پسندیدند و همچنان توسط تعداد دیگری به اشتراک گذاشته شد. در مقابل مطلب نشر شده مورد پسند یک تعداد از هواداران ببرک کارمل، واقع نگرید به دادن فحش و دشنام، تحقیر و توهین و برچسب زدن به دستگاه های استخباراتی بیگانه مانند پاکستان، ایران و امریکا آغاز کردند.

چون در طول سال های متمادی که من با مطبوعات سرو کار دارم، برای من چیز عادی بود. زمانی که های و هوی آن ها خاتمه پیدا کرد، من به صورت مختصر چنین جواب دادم: «من در طول زندگی به هیچ یک از احزاب، گروه ها، تنظیم ها و دستگاه های استخباراتی، وابسته نبوده و نیستم و از طرف دیگر با این سن و سال و سرسپیدی که دارم، نمی خواهم در سطح پائین که شما هستید، قرار بگیرم. بنا با این ضرب المثل مشهور زبان فارسی دری اکتفا می کنم که:

کاسه چینی که صدا می کند خود صفت خویش ادا می کند

والسلام»

گرچه یکی از اعضای سرپرست صفحه به نام عبدالوحد خرم که گذشته عضویت حزب دیموکراتیک خلق و حزب وطن را در افغانستان داشت به رفقای حزبی اش نوشت که به آزادی بیان احترام گذاشته و باید عفت قلم را در نظر گرفته، با فحش، تحقیر و توهین به شخصیت نویسنده تعرض نکنید. جای دارد که از ایشان اظهار سپاس نمایم.

یک روز بعد یکی دیگر از اعضای سرپرست صفحه (آئینه اندیشه ها) به نام صدیقه جان ژوبل که قبلاً در رادیو افغانستان همکار بودیم، چنین پیامی در مسنجر من ارسال نمود:

آقای محترم اختر لطفاً آنچه در قوس ("کارمل شاه شجاع....") و کودتای ("تنگین") نور را حذف کنید چون پنجهزار عضو صفحه شکایت کردند. گفتند یا توهین کارمل را حذف کنید یا ما از صفحه بیرون می شویم.

از لطف شما تشکر می کنم. جمعه ۱۶:۱۸

من بسیار محترمانه در جواب شان چنین نوشتم:

بسیار خوب صدیقه جان من نمی خواهم که شما پنج هزار پرچمی و هواداران کارمل را، به خاطر من از دست بدهید. بهتر آن است که شما یک نفر را از دست بدهید و آن منم. مطالب خود را از صفحه تان حذف کرده، موفقیت مزید تان را در راه روشنگری خواهانم. برای من فرق نمی کند زیرا، زمانی به خاطر مخالفت، با پرچمی ها من کار خود را

همچنان وطن خود را از دست دادم . خودم یک صفحه دارم و هم وبسایت . آنچه بخواهم نشر می کنم، وکسی جلو مرا گرفته هم نمی تواند. چیزی که مرا متأثر ساخت این است که، اعضای صفحه شما کاملاً پرچمی ها است . یعنی شما به ذوق و خواست پرچمی ها نشرات می نمایید.

با عرض ارادت محمد حیدر اختر جمعه ۱۶:۵۴

به این اساس من همکاری خود را با صفحه (آئینه اندیشه ها) قطع کردم . ولی نمی دانم که چه وقت طرفداران ببرک کارمل و نجیب الله خاد، از رهبران خود شناخت پیدا می نمایند باوجود مطالبی که در کتبی که توسط بادران شان یعنی مشاوران روسی و هم دانشمندان افغان در باره، شخصیت ، سیاست و وابستگی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان به اتحاد جماهیر شوروی انتشار یافته است. ولی هنوز هم مرغ شان یک لنگ داشته و می خواهند رهبران شان را به همان قسمی که خود بت ساخته و پرستش می کنند به دیگران نیز بقولانند و مخالفان را با فحش، تو هین و تحقیر خفه نمایند. وابستگان و هواداران ببرک کارمل تاحال نمی دانند که :

- کودتای ثور یک حرکت معقول بدون وابستگی به شوروی و روی منافع مردم افغانستان استوار نبود. بلکه یک کودتای ننگین و نامیمون بود که پی آمد خونباری برای افغانستان و شهروندانش داشت.

- ببرک کارمل قبل از کودتای شوم هفتم ثور ۱۳۵۷ ، در سال ۱۹۵۰ میلادی به استخدام دستگاه جاسوسی شوروی سابق یعنی «کی جی بی» در آمده بود و بر اساس نوشته های واسیلی متروخین در کتاب "کی جی بی در افغانستان" نام مستعار ببرک در کی جی بی "مارید" بوده است.

- ببرک در سال ۱۳۴۶ حزب پرچم را تأسیس کرد و در راه توسعه و پخش اندیشه های "مارکسیزم لینیزم" تلاش های فراوانی انجام داد تا این که در کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ بعد از تره کی به عنوان فرد قدرتمندی مطرح گردید، اما دیری نگذشت که به اساس اختلافات ذات البینی در حزب، تحت نام سفیر به خارج از کشور تبعید و از آن جا هم از وظیفه اش سبکدوش گردیده، و به مسکو رفت تا این که در سال ۱۳۵۸ به عنوان شاه شجاع دیگر، توسط روس ها به قدرت رسانیده شد و تا سال ۱۳۶۵ که روس ها نجیب را به عوض او بر گزیدند در یک مقام تشریفاتی قرار گرفت.

مردان ببرک کارمل قبول دارند که شاه شجاع را انگلیس ها از هند به کابل آوردند و بر تخت نشاندند ولی واقعیت آوردن ببرک کارمل از طرف شوروی را قبول ندارند. این مشکل خودتان و اصلاح ناپذیری تان است.

- ببرک کارمل بیانیه ای را که به دستور اندروپوف برایش تهیه کرده بودند، حوالی ساعت ششم جدی ۱۳۵۸ از طریق رادیو تاشکند که مطابق به فریکونسی های رادیو افغانستان برنامه پخش می کرد، قرائت کرد و «نوار آن بیانیه سه روز بعد به رادیو افغانستان مواصلت کرد که در چرخ نوار روسی ثبت شده بود. آن نوار را من به چشم خود در رادیو افغانستان دیده بودم».

الکساندر لیاخفسکی همکار رئیس گروه عملیاتی شوروی و مشاور نجیب، در صفحات ۱۹۸ و ۱۹۹ کتاب "توفان در افغانستان" در باره انتقال ببرک کارمل توسط «کی جی بی» بعد از کشته شدن امین به کابل چنین می نویسد:

"ببرک کارمل در آن زمان هنوز در بگرام بود، در محل استقرار هنگ (غند) کماندوئی چتر باز (به فرماندهی سیرد یوکف) تحت محافظت تکاوران اداره نهم «کی جی بی» بود . شامگاه ۲۷ دسمبر اندروپوف با کارمل تماس گرفت. از سوی خود و شخص لیونید برژنف به او به مناسب پیروزی مرحله دوم انقلاب و انتخاب او به سمت رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان شاد باش گفت... کارمل با کاروان خود روهای رزمی با پوشش سه تانک از بگرام به سوی کابل به راه افتاد" .

- گروموف در بخش گزارش سری به کمیته مرکزی در صفحه ۱۵۶ کتاب «ارتش سرخ در افغانستان» نگرانی نجیب نسبت به انجام گسیختگی کارمل را چنین بیان می نماید: "رفیق نجیب بیمناک است که انجام گسیختگی کارمل که با بیماری و افراط در نوشیدن مشروبات الکلی عمیق تر می گردد، ممکن است او را وادار به اقدامات غیر قابل پیش بینی گرداند."

_گروموف در مورد انتخاب ببرک به رهبری حکومت افغانستان از جانب «گ جی بی» چنین می نویسد: "روشن است که «گ جی بی» در سال ۱۹۷۹ با گماشتن ببرک کارمل به رهبری حکومت افغانستان دچار اشتباه گردیده بود. رهبران «ک جی بی» با عدم اعتراف به این خطای خود امیدوار بودند که سطح پائین انتلکوتل و ناتوانی سازماندهی کارمل را خواهند توانست با فعالیت های مستشاران حزبی و نظامی جبران کنند" (تاریخ مسخ نمی شود، ۶۶). پس آن چه که یادآوری گردید، مردم افغانستان ببرک کارمل را منحيث شاه شجاع روسی می شناسند، و نامش در تاریخ افغانستان مانند شاه شجاع منحيث یک وطنفروش ثبت گردیده است.

با این چند مثالی که از کتاب های (کی جی بی) در افغانستان، (بیانید تا رهبران احزاب خلق و پرچم را بهتر بشناسیم) نوشته محمد یوسف عارف (وارسته) که در ۶ جدی سال ۱۳۹۰ انتشار یافته اقتباس شده اکتفاء می نمایم. البته در آینده برای مریدان کارمل اسناد بیشتری را نشر خواهم کرد.

امید که اعضای حزب دیموکراتیک خلق و هواداران ببرک کارمل یک بار سر در گریبان بکنند و ببینند که رهبر شان یک اجنت «کی جی بی» یک انسان دایم الخمر بوده و در دوران زمامداری شان چقدر انسان بی گناه به قتل رسیده بناءً خجالت بکشند، دهن شان را بسته نموده و نباید سر از زمین بلند نمایند. والسلام.